

التعامل مع المخالفين:

برخورد با مخالفان

س ۱۴۹ / أسأل عن جواز النعت بالنعوت التي سمى الله بها المخالفين في القرآن الكريم، وأحاديث محمد وآل محمد (عليهم السلام).

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾.

فمثلاً: يأتي من يدعي العلم وهو لا يميز حتى بين الناقة والجمل ويحاور، وعندما لا يصمد في الحوار يريد أن يهرب من الموضوع ليشكل على موضوع آخر، فهنا نبيّن جهله ونفضحه، لكن هل يجوز القول له: أنت بهيمة أو أضل من البهيمة؟

هل يجوز نعت ظاهري العداء والنواصب بأبناء بغايا أو أنهم أنجس من الكلاب النجسة؟

هل يجوز نعت فقهاء الضلال الذين حملوا التوراة ثم لم يحملوها بالحمير والكلاب؟

هناك أناس جهلاء بسطاء يستمعون وهم أنفسهم لا يميزون الحق من الباطل ولا يعرفون السبب الذي نقول فيه هذا الكلام فقط يعون ويسمعون النعت بالأوصاف ثم يأتون ويقولون أنتم بلا أخلاق مثلاً وتسبون وهل هذه أخلاق أنصار ووو، والأعداء أيضاً يستغلون ذلك ويطبّلون له أمام أتباعهم والجهلاء منهم ويرفعوا المصاحف، وهذا يكون حجر عثرة عادة في طريق بعض الناس الذين يتأثرون بالرجال ولا يأخذون الحق من موضعه.

ما هو الصحيح؟

ما هي الحدود للتعامل مع هؤلاء النواصب أو الجهلة أو الضالين وأمام الناس البسطاء؟

پرسش ۱۴۹:

آیا جایز است توصیفاتى را که خداوند در قرآن کریم و در احادیث محمد و آل محمد (علیهم السلام) برای مخالفین به کار برده است استفاده کنیم؟

((و حقا که بسیاری از جن و انس را برای جهنم بیافریدیم. اینان را دل‌هایی است که با آن نمی‌فهمند و چشم‌هایی است که با آن نمی‌بینند و

گوش‌هایی است که با آن نمی‌شنوند. اینان همانند چهارپایان اند حتی گمراه‌ترند. اینان همان غافلان اند)) (اعراف: ۱۷۹).

مثلاً کسی که ادعای علم دارد و فرق بین ناقه و جمل (شتر نر و ماده) را نمی‌داند، می‌آید و مشغول گفت‌وگو می‌شود و هنگامی که در پاسخ درمی‌ماند می‌خواهد از موضوع فرار کند تا بر موضوع دیگری اشکال بگیرد، در این هنگام ما نادانی او را روشن و او را رسوا می‌کنیم؛ اما آیا می‌توان به او گفت: تو چهارپا یا پست‌تر از چهارپا هستی؟

آیا جایز است کسی که ابراز دشمنی می‌کند و ناصبی است را فرزند زنا یا نجس‌تر از سگ‌های نجس بنامیم؟

آیا جایز است فقهای گمراهی را که ((تورات بر آن‌ها بار شد، اما به آن عمل نمی‌کنند)) (جمعه: ۵) الاغ و سگ بنامیم؟

مردمان ناآگاه و ساده‌لوحی وجود دارند که می‌شنوند در حالی که خودشان حق را از باطل تشخیص نمی‌دهند و علت اینکه ما این نام‌ها را به کار می‌بریم را نمی‌دانند و فقط نامیده شدن با این اوصاف را می‌شنوند و سپس می‌گویند شما اخلاق ندارید و فحش می‌دهید و آیا این اخلاق انصار است و...؛ و...؛ و دشمنان نیز از این موضوع سوءاستفاده کرده، نزد پیروانشان و جاهلان آنان قیل‌و‌قال راه انداخته، قرآن‌ها را بر سرنیزه می‌کنند. این سنگی می‌شود سر راه برخی از مردم؛ بر سر راه کسانی که از این شخصیت‌ها تأثیر می‌پذیرند و حق را از جایگاهش نمی‌گیرند.

کار صحیح چیست؟

حدود تعامل و رفتار با این ناصبی‌ها، جاهلان یا گمراهان در برابر مردم ساده‌دل چیست؟

ج/ من جهة جواز أن تصفوا من شخّصتموه قطعاً بأنه مصداق لمن وصفهم الله بالحمير وما شابه فهو أكيداً جائز، ولكن الأفضل الاكتفاء بتطبيق القانون، وفقكم الله وسدد خطاكم.

پاسخ:

کسی را که به‌طور قطع و یقین تشخیص داده‌اید که مصداق کسانی است که خداوند آنها را به الاغ و شبیه آن توصیف فرموده است، به‌طور قطع توصیف او به چنین صفاتی جایز است ولی بهتر است تنها به پیاده‌سازی قانون اکتفا شود. خداوند شمارا موفق و گام‌هایتان را استوار بدارد.

س ۱۵۰ / نحن عائلة مكوّنة من ستة أفراد و غير مستقلين مادياً، ولا نحضر صلاة الجمعة، ولا صلاة عيد، ولا ندفع زكاة الفطرة بسبب أنّ رب العائلة غير مؤمن وهو من يدفع عنا، والاسئلة:

هل تجب علينا صلاة الجمعة، وصلاة العيد؟

وكيف ندفع زكاة المال؟ هل يزكي كلّ منّا عن نفسه؟ وإذا لم يكن لديه المبلغ، فهل يمكنه الاقتراض ثم يسدده بعد ذلك؟ وماذا عن السنوات التي مضت وكنا مؤمنين ولم نرك؟

وهل يجوز لنا الخروج من دون إذنه للأموال المتعلقة بالدعوة؟

وأحياناً، يطلب من ولديّ الذهاب معه للمسجد لحضور الجمعة أو العيد أو بعض المناسبات لدى المخالفين فما هو الفعل الصحيح؛ الذهاب أم عدمه؟

پرسش ۱۵۰:

ما خانواده‌ای شش نفره هستيم و استقلال مادی نداريم. نماز جمعه و عيد حاضر نمی‌شويم و زکات فطريه نمی‌دهيم؛ زیرا سرپرست خانواده مؤمن نيست و او کسی است که از سوی ما پرداخت می‌کند. چند پرسش:

آيا نماز جمعه و عيد بر ما واجب است؟

چگونه زکات مال را بدهيم؟ آيا هريك از ما از سوی خودش زکات بدهد؟ و اگر پول نداشته باشد، می‌تواند قرض بگیرد و بعداً قرضش را ادا کند؟ تکلیف سال‌هایی که گذشته و ما مؤمن بوده‌ايم و زکات نداده‌ايم چه می‌شود؟

آيا جايز است بدون اجازه سرپرست خانواده برای امور مربوط به دعوت خارج شويم؟

گاهی از فرزندانم می‌خواهد با او برای حضور در نماز جمعه یا عيد یا بعضی مناسبت‌ها همراه مخالفان به مسجد بروند. کار درست چیست؟ رفتن یا نرفتن؟

ج / المؤمن لا يجوز له الصلاة خلف غير المؤمن، والزكاة والحقوق الشرعية إنما تجب على من لديه مال لأدائها، أما من ليس لديه مال فلا تجب عليه، أما الزوج أو الأب غير المؤمن فيمكن أن تؤدوا طاعة الله دون أن تخبروه أو تطلبون إذنه، وعموماً لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق.

پاسخ:

جايز نيست که انسان مؤمن پشت سر غير مؤمن نماز بخواند. زکات و حقوق شرعی تنها بر کسی واجب است که مالی برای ادای آن دارد، اما بر کسی که مالی ندارد واجب نيست. طاعت خدا را می‌توانيد بدون باخبر کردن و اجازه

گرفتن از شوهر یا پدر غیر مؤمن انجام دهید و به‌طور کلی در معصیت و نافرمانی از خالق هیچ اطاعتی از مخلوق وجود ندارد.